



الزام پوشش بارویکرد به آزادی و رعایت حقوق شهروندی در فقه و حقوق ایران

پدیدآورنده (ها) : آناهید، فاطمه؛ جعفریوربیگدیلو، یوسف؛ عنایتی تکه، فراهم؛ پورجوهری، علی

حقوق :: نشریه مطالعات تطبیقی حقوق شهروندی :: تابستان ۱۳۹۹، دوره یکم - شماره ۱

صفحات : از ۲۷ تا ۳۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1676497>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- علل ضعف پوشش و راهکارهای بهینه سازی آن
- ظرفیت های اصول و قواعد فقهی در سازماندهی حقوق شهروندی
- فلسفه الزام حکومتی مساله حجاب
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام
- روش قرآن در طرح مسأله ی حجاب
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام
- بررسی حقوقی تغییر ساختار شورای امنیت سازمان ملل
- نگاهی مقایسه ای به مسأله بازنگری قانون اساسی مجلس خبرگان ۱۳۵۸ و شورای بازنگری ۱۳۶۸
- معاونت در جرم
- نکاتی درباره معاونت در جرم
- فقه و حقوق شهروندی
- قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

عناوین مشابه

- شیوه های الزام به اجرای عینی قرارداد در فقه و حقوق ایران
- سیاست جنائی قانون گذار ایران در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
- بازتاب عدالت و رعایت حقوق شهروندی در فرایند داوری قاضی منفرد یا هیئت منصفه (با استناد به نمونه‌هایی از آثار ادبی ایران و جهان)
- بازتاب عدالت و رعایت حقوق شهروندی در فرایند داوری قاضی منفرد یا هیئت منصفه (با استناد به نمونه‌هایی از آثار ادبی ایران و جهان)
- رابطه بین الزام به اجرای عین تعهد و فسخ عقد (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه ، حقوق ایران و انگلیس)
- مطالعه تطبیقی الزام به اجرای تعهد به عنوان شیوه جبران خسارت در فقه، حقوق ایران و اسناد بین المللی مربوطه
- دعوای الزام به تنظیم سند رسمی در فقه و حقوق ایران
- وضعیت آثار مالی طلاق در شرایط ابتلای زوج به بیماری مشرف به موت در فقه امامیه و حقوق ایران
- بررسی تطبیقی الزام به اجرای اجباری قرارداد در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰ وین
- اخلاق در حقوق کیفری: احترام به آزادی اشخاص و تحصیل دلیل در فقه امامیه و حقوق جزای ایران

الزام پوشش با رویکرد به آزادی و رعایت حقوق شهروندی در فقه و حقوق ایران

فاطمه آناهید*

یوسف جعفرپور بیگدیلو**

فراهم عنایتی تکلہ***

علی پور جواهری****

چکیده

اینکه حجاب یک امر شخصی و یا تکلیفی اجتماعی محسوب می‌گردد از جمله مسائلی است که موجب شده است برخی از افراد با شخصی و فردی دانستن حجاب، خود را به عنوان یک شهروند ایرانی، ملزم به رعایت حدود حجاب در جامعه اسلامی ندانسته و با پوششی مغایر با احکام اسلامی و با عنوان آزادی در اجتماع ظاهر شوند و این در حالی است که مطابق حقوق شهروندی، هر نوع رفتاری که مرتبط با منافع و حقوق سایر شهروندان باشد، خارج از حریم خصوصی می‌شود و مشمول مقررات اجتماعی تلقی می‌گردد. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی الزام به پوشش از سوی حکومت با رویکرد به آزادی و رعایت حقوق شهروندی می‌باشد و تلاش دارد این مطلب را اثبات کند که اگرچه حق انتخاب کردن یکی از مصادیق حقوق شهروندی است اما انتخاب نوع پوشش و رعایت حجاب درون یک جامعه با هویت ایرانی-اسلامی، علاوه بر اینکه تکلیف شخصی زنان است حق شهروندان نیز می‌باشد و لذا اصل حجاب از واجبات اجتماعی محسوب می‌گردد و بر همین اساس حکومت این اختیار را دارد که با رعایت موازین فقهی و قانونی از روش‌های مختلف برای نهادینه‌سازی آن استفاده کند و شهروندان را ملزم به رعایت حجاب در سطح جامعه بنماید.

واژگان کلیدی: پوشش، حجاب، حقوق شهروندی، حکومت اسلامی، مجازات.

* گروه فقه و حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

** گروه حقوق خصوصی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

*** گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

**** دانش آموخته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)

۱. مقدمه

اگرچه شکی نیست که در تاریخ اسلام، مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت و پیروان نحله‌های گوناگون کلامی و اعتقادی به صورت اجماع، حجاب را واجب و رعایت آن را بر زن مسلمان الزامی می‌شمارند و بی‌حجابی و بدحجابی را مخالفت با قرآن و زیر پا نهادن حکم واجب خدا تلقی می‌کنند، اما ملاحظه می‌شود که برخی شهروندان در جامعه ایران، پوشش در اجتماع را مانند پوشش در محیط شخصی دانسته و آن را حریم فردی و خصوصی خود تلقی می‌نمایند و لذا این حق را برای خود قائل هستند که می‌توانند در رابطه با نوع پوشش خود در جامعه هرگونه که بخواهند تصمیم‌گیری کنند، البته در مقابل، برخی دیگر نوع پوشش در بیرون خانه را حریم اجتماعی دانسته و آن را مشمول قواعد و قوانین اجتماعی می‌دانند و اذعان دارند که با کمی تأمل در برخی مسائل و مشکلات به وجود آمده در جامعه که ناشی از عدم رعایت حجاب است می‌توان به راحتی به نقش اجتماعی حجاب پی برد.

در باب حقوق شهروندی افراد در جامعه و حریم خصوصی و عمومی، تذکر این نکته لازم است که اگرچه حق انتخاب کردن یکی از مصادیق حقوق شهروندی است اما باید توجه داشت که بر اساس همین حقوق، هر نوع رفتاری که مرتبط با منافع دیگران باشد، خارج از حریم خصوصی می‌شود و مشمول مقررات اجتماعی تلقی می‌گردد و لذا پوشش و حجاب افراد در بیرون از منزل بخشی مهم از هویت جامعه را تشکیل می‌دهد و با توجه به این که در هر جامعه‌ای به تناسب هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، نوع خاصی از لباس‌ها و پوشش‌ها وجود دارد و به نحوی انتخاب افراد را محدود می‌کند، لذا از منظر حقوق شهروندی در یک جامعه اسلامی مانند ایران که بسیاری از هنجارهای آن بر اساس ارزش‌ها و معتقدات دینی شکل گرفته است، حجاب و پوشش علاوه بر اینکه تکلیف شخصی زنان است حق جامعه دینی نیز می‌باشد، خصوصاً اگر از منظر دینی به حقوق شهروندی و ویژگی‌های یک شهروند نگاه شود، همان منظری که مقام معظم رهبری مطرح می‌کنند و آن شهروند کریمانه و متعالی است که هم توجهی به حقوق انسانی آن مطرح می‌شود و هم تکالیف دینی که برای او کرامت ایجاد کرده‌اند. (پرسمان دانشگاهیان).

حال با توجه به جنبه اجتماعی حجاب، هدف پژوهش حاضر پرداختن به این چالش و سوال مهم است که از منظر فقهی و قانونی، آیا حکومت می‌تواند زنان و دختران را ملزم به رعایت حجاب بنماید و آیا این الزام منافاتی با کرامت انسانی، حقوق شهروندی و آزادی افراد در انتخاب لباس و پوشش ندارد؟

مبانی دخالت حکومت‌ها در نحوه پوشش مردم:

در سطح کلان مبانی دخالت دولت‌ها در چگونگی لباس پوشیدن مردم بر خاسته از دو تفکر دینی و اقتدارگر است. در واقع نحوه دخالت دولت‌ها بر اساس این دو نوع تفکر و ضمانت‌اجراهی در نظر گرفته شده برای بایدها و نبایدهای مقرر شده در امر پوشش مردم، توضیح دهنده سیاست آن دولت‌هاست. در تفکر اقتدارگرا بر اساس سیاست جنایی خود از مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گری استفاده می‌شود که دولت از طریق آن و با توسل به آن، علیه جرم واکنش نشان می‌دهد. در این حالت آنچه مدنظر است، صرفاً جرم است که بر اساس اصل قانونی بودن جرم باید در قانون جزا مورد اشاره قرار گیرد و واکنش انتخابی علیه آن نیز مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی است که بر اساس اصل قانونی بودن مجازات‌ها باید در قانون مصرح گردد. (اسدی، ۱۳۸۴، ۵۱)

البته امروزه مفهوم سیاست جنایی از مفهوم مضیق خود که به جرم و مجازات می‌پردازد، فراتر رفته و مقوله‌هایی را نیز در بر می‌گیرد که نمی‌توان صراحتاً در حوزه کیفر قرار داد و این امر ناشی از ناتوانی نظام کیفری در پاسخگویی به این مقوله‌هاست. سازوکارهای جدید پذیرفته شده در نظام‌های جنایی جهان برخاسته از ورود موضوعات جدید در مقوله‌های کیفری و ناتوانی واکنش‌های صرفاً کیفری در پاسخگویی به این مقوله‌هاست. بنابراین سیاست جنایی امروزه ضمن اینکه دخالت حکومت را در حوزه‌های مختلف به طور متعادل می‌پذیرد، به تقلیل و حذف ضمانت‌اجراهی صرفاً دولتی و استفاده از مدل‌های ترمیمی در پیکره نظام جزایی اعتقاد دارد. (اسدی، ۱۳۸۴، ۵۲)

پیشینه قانونی شدن حجاب در ایران:

الف. قانون تعزیرات:

تا سال ۱۳۶۲ هیچ قانونی در مورد حجاب و عفاف به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و اولین قانونی که در خصوص پوشش زنان، در کشور به تصویب رسید، ماده ۲۱ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود. در این قانون آمده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد».

بر اساس این قانون، زنانی که در جمهوری اسلامی ایران هستند، اعم از ایرانی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان، مکلف به رعایت حجاب شرعی در انظار عمومی و معابر شدند. تا جایی که دادستان عمومی تهران در بخشی از اطلاعیه خود می‌نویسد: «به تمام مسئولان در ادارات و

سازمان‌های دولتی و شرکت‌ها و سایر واحدهای دولتی و خصوصی، اماکن عمومی از قبیل هتل‌ها، مسافرخانه‌ها، تالارها و باشگاه‌های برگزارکننده مجالس جشن عروسی، غذاخوری‌ها و سایر اماکن عمومی اعلام و ابلاغ می‌دارد، از تاریخ انتشار این اطلاعیه موظفند از ورود بانوانی که رعایت حجاب و پوشش صحیح اسلامی را نمی‌کنند، جلوگیری به عمل آورند».

ب. قانون رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان:

در سال ۱۳۶۵، در مصوبه قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند؛ نکات جدیدی به چشم می‌خورد.

در ماده ۴ این قانون آمده: «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند. و ماده ۲، مجازات‌های تعزیری را بدین شرح بیان می‌کند: «۱- تذکر و ارشاد. ۲- توبیخ و سرزنش. ۳- تهدید. ۴- ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال برای استفاده کننده. ۵- ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده».

علاوه بر این در تبصره دو این ماده آمده: «مجرمی را که کارمند است، علاوه بر مجازات‌های فوق‌الذکر به یکی از مجازات‌های زیر محکوم می‌نماید: ۱- انفصال موقت تا دو سال. ۲- اخراج و انفصال از خدمات دولتی. ۳- محرومیت استخدام به مدت پنج سال در کلیه وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و نهادهای و ارگان‌های عمومی و دولتی».

ج. قانون مجازات اسلامی:

می‌توان مهم‌ترین قانونی که بی‌حجابی را جرم دانسته و به آن پرداخته، ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ دانست. به موجب این ماده: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

در تبصره این ماده که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، آمده:

«زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد».

البته بنابر ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، چنانچه قاضی تشخیص بدهد، می‌تواند حبس و شلاق متهم را به جزای نقدی تبدیل کند.

د. قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب:

بدحجابی و بی‌حجابی، بر اساس قانون جرم دانسته شده؛ اما بازداری و جلوگیری از این جرم نیز مانند سایر جرایم نیازمند پشتوانه‌های فرهنگی و زیرسازهای اجتماعی است. در این راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۴، قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب را به تصویب رساند. قانونی که هدف از ارائه آن، درونی و نهادینه کردن حجاب و عفاف، با مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند است؛ و کلیه وظایف تخصصی دستگاه‌های قانونگذار و اجرایی را در قبال موضوع حجاب را به طور دقیق و مشخص بیان نمود. این قانون، که طرح آن از ابتدای دهه ۷۰ در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار داشت، اقدامی همه‌جانبه و نگاهی چندبعدی به مسئله حجاب و عفاف در جامعه است. طرحی که به دنبال آن، مجلس شورای اسلامی نیز، قانون ساماندهی مد و لباس را در سال ۱۳۸۵ به تصویب رساند و با این دیدگاه، حجاب از مقوله‌ای صرفاً فرهنگی و دینی، به قانون تبدیل شد.

جرم انگاری نحوه پوشش و عدم رعایت حجاب در قوانین:

بر اساس قوانینی که ذکر شد ملاحظه می‌گردد عدم رعایت حجاب به عنوان جرم مطرح گشته و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. با توجه به ماده ۶۳۸ ق.م.ا که بیان می‌کند: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

و با توجه به تبصره این ماده که مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» مشخص می‌شود که «حضور زنان بدون حجاب شرعی» یکی از مصداق‌های تظاهر به عمل حرام و اعمالی شمرده شده است که عفت عمومی را

جریحه دار می‌کند.

الف- مبنای فقهی: اولاً به اجماع فقها، عدم رعایت حجاب در برابر نامحرم حرام و معصیت می‌باشد و ثانیاً از نظر فقهی ارتکاب معصیتی که مشمول حد شرعی نباشد، قابل تعزیر است بنابراین از نظر مبنای فقهی حضور زنان بدون حجاب شرعی در جامعه مشمول مجازات تعزیری می‌گردد.

ب- مبنای حقوقی: عناصر سه گانه تحقق جرم یعنی عنصر قانونی، عنصر مادی، عنصر معنوی در بی‌حجابی علنی وجود دارد زیرا:

از لحاظ عنصر قانونی به صراحت در قانون برای رعایت نکردن حجاب اسلامی، مجازات تعیین شده است و از لحاظ عنصر مادی ظاهر شدن زنان بدون حجاب شرعی در جامعه، نمود عملی و عینی جرم در سطح اجتماع است و از لحاظ عنصر معنوی نیز این جرم، از جرایم عمدی است؛ زیرا مرتکبین بی‌حجابی، عموماً ولو به اجمال در مورد حساسیت شرع و قانون نسبت به رعایت حجاب مطلع هستند و با این حال قاصدانه حجاب را رعایت نمی‌کنند.

بررسی مشروعیت برخورد کیفری با بی‌حجابی:

برای اثبات مشروعیت مقابله کیفری با بی‌حجابی به شکل کلی معمولاً به دو دلیل پر کاربرد تمسک می‌شود که شامل ادله تعزیر برای عمل حرام و ادله نهی از منکر است با این توضیح که حکومت اسلامی می‌تواند به گونه‌ای که صلاح و موثر بداند ترک کننده واجب یا مرتکب حرام شرعی را تعزیر کند و بر اساس ادله نهی از منکر، حکومت اسلامی مجاز است مرتکب حرام را نهی کند و اگر لازم باشد به طریقی که موثر واقع شود، مرتکب را از عملش باز دارد.

موافقان مقابله حکومت با بی‌حجابی در بستر تعزیرات استدلال می‌نمایند که چون اجرای حدود و تعزیرات در اصل در حوزه مسئولیت حاکم اسلامی است و مسئولیت و اختیار حاکم در اجرای حدود و تعزیرات، محدود به آنچه در ادله خاص و مصادیق مشخص آمده نیست، بلکه ارتکاب هر گناهی، مایه تعزیر و تأدیب است، در این صورت «ترک حجاب شرعی» نیز به عنوان ترک واجب یا فعل حرام در محدوده تعزیرات حکومت قرار می‌گیرد. و همانند سایر مواردی که حد و تعزیر خاصی برای آن ذکر نشده مرتکب آن بر اساس تشخیص حاکم تعزیر می‌گردد و چون حجاب، حکمی قطعی است که باید به آن فرا خواند و از ترک آن باز داشت و وقتی شرعاً و قانوناً وظیفه شهروندان رعایت حجاب است، اما برخی از آن‌ها به وظیفه خود عمل نمی‌کنند حکومت این مسوولیت و تکلیف را دارد که با چنین افرادی برخورد نماید و به هر حال وظیفه

جلوگیری از گناه، هر چند با تعزیر بر عهده حاکم و از شوون حکومت است (مرتضوی، ۱۳۸۶، ۳۸-۳۴ و غلامی، ۱۳۹۲، ۶۲).

البته اگرچه بعضی از فقها مانند صاحب جواهر (نجفی، ۱۹۸۱، ۴۴۸) تصریح کرده‌اند که تعزیر مخصوص گناهان کبیره است و گناه صغیره قابل تعزیر نیست و از سوی دیگر با توجه به معیارهای فقهی گناهان کبیره، ادعا شده است که بی‌حجابی جزء گناهان کبیره بشمار نمی‌آید. (هدایت نیا، نشست علمی "رویکردشناسی حقوقی حجاب") اما باید گفت که ولو بی‌حجابی در ابتدای امر گناه صغیره محسوب شود اما اصرار بر همین گناه صغیره، آن را تبدیل به کبیره می‌نماید.

برخی نیز چنین استدلال کرده‌اند که از منظر دلیل اصلی اجباری بودن حجاب همان دلیلی است که درباره‌ی سایر احکام مثل حرمت شرب خمر و حرمت روزه‌خواری در انظار وجود دارد. یعنی در یک جامعه‌ی اسلامی، تظاهر به گناه ممنوع است و شهروندان حق تظاهر به گناه در انظار عمومی را ندارد که اگر گناه او وارد عرصه‌ی جامعه شد، وظیفه‌ی بزرگ امر به معروف و نهی از منکر جلوه‌گر می‌شود که هم وظیفه‌ی عموم مسلمانان است و هم وظیفه‌ی حکومت. لذا اگر در انظار عمومی، روزه‌خواری صورت گیرد، تعزیر می‌شود چراکه نظام جامعه مهم است و حفظ نظام در یک جامعه‌ی اسلامی در این است که در انظار عمومی، احکام اسلامی و شریعت هتک نشود، در غیر این صورت برخورد منطقی و قانونی و شرعی با آن وظیفه‌ی همگان از جمله نظام و حکومت است. (گفتگوی علمی پیرامون حجاب با حجت‌الاسلام دکتر حائری، شبکه اجتهاد)

همچنین در بستر امر به معروف و نهی از منکر استدلال شده است که چون بر اساس اطلاعات و عموم نصوص یکی از مسئولیت‌های حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است و خاستگاه اصلی امر حسب همین دو وظیفه است و اساساً طبق گفته بسیاری از فقها برخی از مراتب امر و نهی به ویژه با وجود حکومت اسلامی و بسط ید حاکم اسلامی، جزء شئون آن به شمار می‌رود و با توجه به این که یکی از ادله وجود حکومت اسلامی و بسط ید حاکم اسلامی همین اطلاق و گستره وجود امر به معروف و نهی از منکر است لذا با فرض پذیرش وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر برای حکومت، شکی نیست که حکم شرعی حجاب در جامعه نیز در محدوده این وظیفه قرار می‌گیرد، چرا که تقید به پوشش یک معروف شرعی مسلم و ترک آن «منکر» است و محدوده این وظیفه نیز در عرصه عمومی شامل تمام مواردی است که این حکم در اصل وجود دارد و یا مایه فساد و یا بی‌اعتنایی دیگران باشد، از این رو، بر اساس همین وظیفه، حکومت اسلامی می‌تواند و حتی باید غیر مسلمانان را نیز در حدی که لازم و مصلحت باشد به رعایت آن وا دارد. (مرتضوی، ۱۳۸۶، ۳۱-۲۸ و غلامی، ۱۳۹۲، ۶۱).

بنابراین با توجه به خاستگاه وظیفه احتساب، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، حاکم اسلامی وظیفه دارد دست کم در حوزه عمومی جلو هر گناهی را بگیرد و در این میان فرقی بین گناهی که چه بسا میان جامعه امری عادی شده و دیگر گناهان نیست. اما گناهی که مفسد آشکار و گسترده‌ای را در پی دارد و می‌توان آنها را از مصادیق آشکار «فتنه‌انگیزی» اخلاقی و اجتماعی نام برد جلوگیری کند. تردیدی نیست که بی‌حجابی و بدحجابی اجمالاً منشأ «فتنه‌انگیزی» به خصوص برای جوانان است. (مرتضوی، ۱۳۸۶، ۴۳-۳۹)

برخی نیز معتقدند از منظر فلسفه سیاسی و فقه سیاسی، حکومت می‌تواند الزام به حکم شرعی حجاب کند زیرا الزام محتوای حکومت و عین حکومت است و حکومت بدون الزام معنایی نخواهد داشت و چون قلمرو الزامات حکومت، محدوده قانون و شریعت اسلامی است و حجاب هم جزء احکام شرعی است بنابراین حکومت می‌تواند اتباع خود را ملزم به حجاب کند. (مهدهوی زادگان، نشست علمی "حکومت اسلامی و حکم حجاب")

کارکرد سیاسی بی‌حجابی:

با توجه به این که امروزه برخی افراد بدحجاب در داخل کشور از این پدیده به عنوان نماد اعتراضات سیاسی به نهاد حاکمیت استفاده می‌کنند و از آن مهم‌تر استفاده از حجاب در راستای منافع سیاسی یک نظام علیه نظام دیگر از طریق براندازی نرم می‌باشد که در قالب نافرمانی مدنی به شکل سرپیچی از انجام وظیفه در وضعیتی که فرد حس کند پیروی از قانون و انجام وظیفه ممکن است پیامدی داشته باشد، صورت می‌گیرد لذا به منظور مخالفت با حکومت از طریق بی‌حجابی نسبت به نقض بعضی قوانین و زیر پا گذاشتن هنجارهای مورد احترام حکومت اقدام می‌شود و از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که در بستر بی‌حجابی تلاش می‌گردد هدف استحاله به معنای عدم قبول ارزش‌ها، اهداف و ارکان نظام و اعتقاد به تغییر نظام حکومتی و ارکان آن صورت پذیرد و ثبات نظام سیاسی حکومت اسلامی از این طریق از بین برود لذا ضرورت دارد که حتماً حکومت دارای اختیار و قدرت برخورد با این پدیده باشد. (غلامی، ۱۳۹۲، ۵۵)

قلمرو الزام حکومت:

نمی‌توان تصور کرد که دامنه اختیارات حکومتی گسترده‌تر از دامنه الزام آن حکومت باشد. مثلاً از سویی کارگزار حکومت موظف به اخذ مالیات از مردم باشد و از سوی دیگر الزام مردم به پرداخت مالیات ممنوع باشد؛ زیرا حکومت بر مفهوم الزام دلالت ذاتی دارد و مفهوم الزام همیشه

و همه جا همراه با حکومت است؛ بنابراین قلمرو الزام برابر با دامنه اختیارات حکومتی است. نمی‌توان کارگزار حکومتی را به انجام کاری تکلیف کرد که حق الزام دیگران برای تحقق تکلیف حکومتی را نداشته باشد. دامنه اختیارات حکومت تا هر جا پیش رود، الزام حکومتی تا آنجا نیز پیش می‌رود؛ بنابراین مخالفت صحیح با الزام حکومتی عبارت از مخالفت با اصل اختیارات حکومتی است، نه با خود الزام. اگر با الزام حکومتی به موضوعی خاص مخالف هستیم، نمی‌توان ضمن پذیرش اختیارات حکومت در آن موضوع خاص، مخالف الزام حکومتی باشیم، بلکه باید از اساس با چنین اختیاراتی مخالف بود (مهردوی زادگان، ۱۳۸۶، ۱۶-۱۵). لذا اگر وظیفه حکومت گسترش عفاف و حجاب در جامعه اسلامی است باید بتواند مردم را نیز ملزم به رعایت آن بنماید.

تفاوت الزام به حجاب با اجبار به حجاب یا حجاب اجباری:

بین الزام و اجبار تفاوت مفهومی و شناختی جدی و دقیقی وجود دارد با این توضیح که حجاب و پوشش امری اخلاقی و اجتماعی است و بر پایه فهم و درک اجتماعی از عدالت، الزام آور به شمار می‌آید و حکومت فضیلت مدار نیز مکلف به اجرای این الزام است؛ بنابراین اجباری در کار نیست، بلکه اجرای «الزام معقول» است و الزام معقول هیچ ارتباطی با مفهوم ساختگی حجاب اجباری ندارد زیرا هر امری با خود لوازمی دارد که قابل انفکاک نیست و هیچگاه به الزام به این لوازم اجبار گفته نمی‌شود و این در حالی است که اجبار وادار کردن شخص به امری غیر ملازم است در حالی که حجاب لازمه عفاف و پاکدامنی است و باید توجه داشت که حرمت تن از جمله محارم آدمی است. صیانت تن مطلق است و با حفظ سلامت تن تفاوت دارد. تن به اندازه روح شریف است و خود و فرد و دیگری حق تعرض به شرافت تن و روان را ندارند. پوشش و حجاب یکی از وجوه صیانت از شرافت تن است. حجاب از شرافت تن صیانت می‌کند و شرافت تن از جمله اصول عام است که تفاوت‌های فرهنگی نمی‌تواند آن را به حاشیه براند. همه باید خود را بر پایه آن نظم دهند؛ اما صیانت از شرافت تن چه می‌تواند باشد. پاسخ دین به این پرسش حجاب است. استدلال به حجاب و قلمرو آن - که به طور قطع شامل موی سر می‌شود- آیات شریفه قرآن کریم است و قطع نظر از حکم دین، تردیدی در فریبندگی و تحریک تن در جنس مخالف نیست. این امر تحریک کننده شهوت جنسی است که مقدمه تجاوز جنسی - از نگاه ناپاک تا رفتارهای خشن عفت‌سوز- می‌شود و اینجاست که عقلانیت لزوم صیانت از تن خود را آشکار می‌کند و وظیفه حکومت و حاکمیت فضیلت مدار تضمین همین الزام است بنابراین الزام به حجاب کاملاً معقول است. (گفتگوی نشریه صحیح صادق با حجت الاسلام دکتر داوود مهردوی زادگان)

دلایل مخالفان مداخله حکومت در بحث حجاب:

معتقدان به این که حجاب امری دینی و فردی است و از امور شخصیه و در حوزه حریم خصوصی افراد می‌باشد به دو گونه تحلیل استناد می‌کنند:

۱ - تحلیل دینی:

در تحلیل دینی استدلال شده است که اگرچه در آیات و روایات نکات فراوانی درباره رعایت پوشش و عفاف زنان آمده است، اما هرگز نکته‌ای که دلالت بر الزام و اجبار حجاب و مجازات بدحجاب هرچند به صورت تعزیری، داشته باشد، وجود ندارد؛ در حالی که در آن عصر در جامعه اسلامی زنان غیرمسلمانی بودند که مقید به رعایت حجاب نبودند. همچنین کنیزکان سرهای خود را برهنه می‌گذاشتند و مستفاد از روایات آن است که نگاه کردن به آنها هم اشکالی ندارد و اگر قرار بود الزامی از سوی معصومان باشد، باید کیفری بر عدم رعایت تعیین می‌شد لذا عدم وضع کیفر دال بر آن است که حکم حجاب با آن که واجب و ضروری است، اما از آن دسته احکامی نیست که شارع مقدس برای انجام آن مجازاتی تعیین کرده باشد و مانند حقوق عامه مردم نظیر سرقت، زنا، لواط و شرب خمر نبوده که حدی تعیین کرده باشد و همین دلیل بر آن است که موضوع حجاب در زنان به حدی نرسیده بود که شارع بخواهد از طریق الزام و اجبار وارد شود لذا حجاب، همانند نماز، روزه، خمس و زکات، یک امر شرعی شخصی است. حجاب مثل تصرف مال مردم، امری اجتماعی نیست که مجازات داشته باشد، به عبارت دیگر دسته‌ای از تعلیمات دینی تکلیف شخصی و دسته دیگر اجتماعی است و برای آن کیفر گذاشته شده است که در مورد حجاب حکومت اسلامی می‌تواند آن را آموزش دهد و شهروندانش را بدان تشویق کند، اما برخورد کیفری در هیچ دستوری نیامده و حتی برعکس آن ذکر شده است. (ایازی، ۱۳۸۶، ۲۲۰-۱۸۷)

۲ - تحلیل اجتماعی:

در این تحلیل تاکید شده است که اجبار، اثر معکوس دارد و واقعیات اجتماعی امروزه نشان می‌دهد که اجبارنه تنها تاثیر مثبتی در روی آوردن مردم به حجاب نداشته است بلکه باعث جبهه‌گیری و کمرنگ شدن رعایت حجاب در سطح اجتماع شده است و لذا الزام به حجاب را قبول ندارند. اما با کار فرهنگی موافق هستند و در ارتباط با این دو تحلیل، چنین نتیجه‌گیری شده است چون اصل حجاب واجب است، فرهنگ‌سازی و فعالیت تبلیغی برای آشنایی و آگاه کردن مردم نسبت به این وظیفه لازم است و صرف رعایت نکردن حجاب کیفری را به دنبال

نمی‌آورد. لذا نمی‌توان کسی را بر ترک حجاب و انجام عمل حرامی مانند بی‌حجابی مجازات کرد، ادله اولیه نیز دلالتی بر جواز الزام ندارد و تنها در صورتی الزام دولت جایز است که اولاً برداشتن حجاب به صورت کلی عفت عمومی را جریحه‌دار کند و بی‌حجابی تبدیل به ناهنجاری اجتماعی شود. ثانیاً به صورت علمی و کارشناسی ثابت شود که تبرج و آراستن ضایعه‌ای بزرگ و اجتماعی است. ثالثاً تمام راه‌های فرهنگی و روش‌های تبلیغی و ترویجی انجام گرفته و اکثریت جامعه از حکم حجاب آگاه شده باشند. در آن صورت بحث حجاب از حوزه تکلیف فردی بیرون آمده و در سلک قوانین اجتماعی و حقوق عمومی در می‌آید که عدم رعایت آن، ناهنجاری اجتماعی و فساد اخلاقی خواهد بود. (پیشین، ۲۳۳-۱۸۷)

نتیجه‌گیری:

با توجه به این که پوشش و حجاب اسلامی موضوعی اجتماعی است و توأمان هم از منظر دینی و هم از منظر حقوق شهروندی، حق شخصی صرف نمی‌باشد بلکه آمیخته با حق الناس و حق الله می‌باشد لذا حاکم اسلامی مکلف است تا در راستای حفظ منافع و مصالح فردی و جمعی در نظام اسلامی، برقراری و حفظ امنیت روحی-روانی و جسمانی شهروندان، از طریق منع اشاعه فحشا و دفع مفسدات اجتماعی، به تأمین منافع مادی و سعادت اخروی شهروندان، اقدام نماید و بر همین اساس حکومت مکلف است با توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر و قاعده فقهی تعزیر و کارکردهای سیاسی حجاب در جامعه امروز، با پدیده بی‌حجابی مقابله و برخورد مناسب نماید.

والبته مقابله لزوماً به این معنی نیست که حکومت حتماً از قوه قاهره و اقدامات قضایی، جزایی و کیفری بهره‌برد، بلکه حکومت موظف به کارگیری تمام ابزار و سیاست‌هایی است که بتواند به بهترین شکل ممکن هدف مزبور را محقق سازد.

■ منابع:

- اسدی، لیلا، «بررسی قوانین کیفری ایران در امر پوشش مردم»، مجله فقه و حقوق خانواده(ندای صادق)، ۱۳۸۴، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۴۸، ۷۴
- ایازی، سیدمحمدعلی، «نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب»، مجله فقه، ۱۳۸۶، سال چهاردهم، شماره ۵۲-۵۱، صص ۲۳۳-۱۸۷.
- غلامی، علی، «مبانی نظری مداخله ی دولت در مسئله ی حجاب»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۶، صص ۶۷-۴۷.

- مهدوی زادگان، داوود، «پژوهشی در الزام حکومتی حجاب»، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۸۶، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۵۰-۹
- مرتضوی، سیدضیاء، «درآمدی بر مبانی کلی فقهی حجاب و مسوولیت دولت اسلامی»، مجله فقه، ۱۳۸۶، سال چهاردهم، شماره ۵۱-۵۲، صص ۵۲-۱۲.
- نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- نشست تخصصی آموزشی با موضوع «حکومت اسلامی و حکم حجاب» با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین داود مهدوی زادگان ۱۳۹۵/۰۳/۱۲.
- نشست «رویکرد شناسی حقوقی حجاب» با حضور حجت‌الاسلام فرج‌الله هدایت‌نیا، عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۲۱ آذر
- گفتگوی علمی نشریه صبح صادق با حجت‌الاسلام دکتر داوود مهدوی زادگان ۲۷ مرداد ۱۳۹۸
- گفتگوی علمی پیرامون حجاب با حجت‌الاسلام دکتر محمد حسن حائری یزدی عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، ۹۴/۱۰/۱۴، شبکه اجتهاد.
- گفتگوی علمی پیرامون حجاب با حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمدعلی ایازی، استاد و قرآن‌پژوه حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۹۴/۱۰/۱۴، شبکه اجتهاد.
- قوانین:
- قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲
- قانون رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان: ۱۳۶۵
- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵
- قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب ۱۳۸۴
- سایت پرسمان دانشگاهیان